**راهکارهای مقابله با جنگ نرم با تأکید بر نفوذ در قرآن کریم**

مجتبی دولتی[[1]](#footnote-1) سیدرضا موسوی[[2]](#footnote-2)

**چکیده**

هدف از این تحقیق، بررسی روش­های مقابله با جنگ نرم با تأکید بر نفوذ در قرآن کریم است. جنگ نرم، اقداماتی است که دگرگونی در هویت فرهنگی و الگوهای رفتاری مورد قبول یک نظام سیاسی را به دنبال دارد. به عبارت دیگر، هر گونه اقدام نرم و روانی و تبلیغات رسانه‌ای که جامعه هدف را نشانه گرفته و بدون بهره‌گیری از زور، آن را به انفعال و شکست سوق دهد، جنگ نرم به‌شمار می‌رود. امروز تمام امید دشمنان داخلی و خارجی، به استفاده از جنگ نرم و عملیات روانی و نفوذ است. از این‌رو، پرداختن به این موضوع، آن هم از رهگذر آیات قرآن کریم، مؤثر و سازنده خواهد بود. روش این تحقیق، توصیفی ـ تحلیلی بوده، یافته­های آن به شرح ذیل است: دشمن سعی دارد از راه­های مختلف به جامعه هدف خود نفوذ کند. راه­های نفوذ عبارتند از: مرعوب ساختن مسئولان از آینده کشور، اختلال در فرآیند تصمیم­سازی مدیران، ستودن رفتار نادرست مسئولان، شایعه­سازی، غافل کردن مسئولان از حقیقت سنن الهی (امداد و نصرت خداوند)، طرح دوستی، ایجاد تفرقه و ترویج اباحی‌گری. از سوی دیگر، نفوذ، در عرصه‌های امنیتی، اقتصادی، سیاسی، فکری و فرهنگی پدیدار می­شود و با بهره‌گیری از روش‌های مختلف تغییر باورها، آرمان­ها، نگاه‌ها و تغییر در سبک زندگیِ جامعه آماج را هدف قرار می‌دهد.

**واژگان کلیدی:** جنگ نرم، نفوذ، تهاجم فرهنگی، قرآن کریم.

**1. مقدمه**

هدف این تحقیق، تبیین روش­های مقابله با جنگ نرم و نفوذ، در قرآن کریم است. دشمن با جنگ نرم و نفوذ فکری و فرهنگی، در صدد تغییر اندیشه و تفکر جامعه­ هدف است تا حلقه‌های فکری و فرهنگی آن را سست کند و با بمباران خبری و تبلیغاتی، در نظام سیاسی ـ اجتماعی حاکم، تزلزل و بی‌ثباتی پدید آورد (ماه‌پیشانیان، 1387). جنگ نرم، اقداماتی است که دگرگونی در هویت فرهنگی و الگوهای فکری و رفتاری مورد قبول یک نظام سیاسی را به دنبال دارد (ر.ک: نائینی، 1387). بنابراین، طیف وسیعی از اقدامات: از جنگ رایانه‌ای و فعالیت‌های اینترنتی تا راه‌اندازی شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی و شبکه‌سازی در فضای مجازی، نفوذ در ارکان فکری و فرهنگی...، ذیل عنوان جنگ نرم می‌گنجد.

با گسترده شدن رسانه­ها و سرعت فضای تبادل اطلاعات، جنگ نرم به پدیده­ای تبدیل شده که یک کشور (مهاجم) بی‌آنکه به جنگ نظامی با کشور دیگر بپردازد می­تواند آن را دچار فروپاشی کند. این‌گونه تغییرات، به‌طور معمول از زیرساخت­ها و شبکه­های تولید و توزیع اندیشه­ها و هنجارها، به‌خصوص حوزه­های آموزشی، فرهنگی و رسانه­ای آغاز می­شود، یعنی عرصه­هایی که به‌طورمعمول خارج از گسترة دیدِ نظارت سازمان­های اطلاعاتی سنتی قرار دارد. به عبارت دیگر، جنگ نرم، نوعی از تهدید است که با هدفِ "تحمیل اراده بر حریف"، از رهگذر تصرف دل(گرایش) و عقل(بینش) عمل می‌کند، به‌گونه‌ای که مخاطب، آن را به صورت باور و الگوی فکری ـ رفتاری خود می‌پذیرد.

جنگ را به لحاظ ماهيت و سير تاريخي می­توان به سه جنگ "سخت، نیمه‌سخت و نرم" تقسيم کرد: "جنگ سخت"(در دوره استعمار کهن)، عبارت است از: اعمال قدرت نظامي براي تحميل اراده و تأمين منافع. "جنگ نيمه سخت"(در دوره­ استعمار نو)، عبارت است از: اعمال قدرت سيستم سياسي- امنيتي، برای در دست گرفتن بخش حكومت و سياست در يك كشور، و در جهت تحميل اراده و تأمين منافع. به عبارت دیگر، جنگ نيمه‌سخت، متكي بر كاربرد سيستم اطلاعاتي- امنيتي و نفوذ در دولت‌هاست كه روش آن تركيبي (سخت­افزارانه- نرم‌افزارانه) است. "جنگ نرم"، عبارت است از: اعمال اراده و تأمين منافع نظام سلطه، بدون منازعه و از طريق اشغال انديشه و الگوهاي رفتاري همه‌جانبه يك كشور. جنگ نرم، متكي بر روش‌هاي نرم‌افزارانه، نامحسوس و تدريجي است. اين نوع جنگ بدون عكس‌العمل فيزيكي بوده و نوعي اشغال همه‌‌جانبه، نامرئي و پايدار تلقي مي‌شود. در این جنگ، عرصه‌هاي مختلف اجتماعي (فرهنگي، اقتصادي و سياسي)، از طريق تحميل فرهنگ، انديشه و الگوهاي رفتاري نظام سلطه به اشغال كامل درمي‌آيد. ظهور جنگ نرم، مربوط به دوره استعمار فرانو يا جهاني‌سازي فرهنگ مي‌باشد (ر.ک: نائینی، 1388؛ منصوري، 1385، ص54). سرانجام، جنگ نرم، سلطه كامل در ابعاد سه‌گانة حكومت، اقتصاد و فرهنگ است كه از طريق استحاله الگوهاي رفتاري در اين حوزه‌ها و جايگزيني الگوهاي رفتاري مهاجم محقق مي‌شود.

مقام معظم رهبری در دو دهه اخیر، مهم‌ترین راهبرد دشمن علیه جمهوری اسلامی را جنگ نرم معرفی کرده‌اند. ایشان در این مورد، با هدف شناخت بیشتر جامعه و نخبگان، جنگ نرم را به خوبی تبیین فرموده‌اند:

1. جنگ نرم، یک تهاجم فرهنگی، بلکه یک شبیخون، غارت و قتل عام فرهنگی است (22 تیر 1371).

2. جنگ اراده‌ها و عزم‌ها، سیاست‌ها و تدبیرهاست (23 اسفند 1378).

3. جنگ نرم، یعنی ایجاد تردید در دل‌ها و ذهن‌های مردم (4 آذر 1388).

4. جنگ نرم، یعنی جنگ به وسیله ابزارهای فرهنگی و پیشرفته امروزی (4 آذر 1388).

5. جنگ نرم، یعنی جنگ به وسیله نفوذ، دروغ و شایعه‌پراکنی (4 آذر 1388).

6. جنگ نرم، یعنی تهاجم به مرزهای ایمانی، عقیدتی و فرهنگی (22 اردیبهشت 1388).

7. جنگی است برای ناامید ساختن مردم از مبارزه (15 اردیبهشت 1372). از این تعاریف می­توان نتیجه گرفت که:

الف) جنگ نرم، یک اقدام تعمدی و تدبیر شده است؛ ب) هدفش تأثیرگذاری بر "دل و ذهن"، "باور و ارزش" و ایجاد خدشه در مرزهای ایمانی، عقیدتی و فرهنگیِ مورد قبول کشور هدف است؛ همچنین دگرگونی هویت فرهنگی و ناامید ساختن مردم از مبارزه و نظام سیاسی است؛ ج) شیوه آن، نفوذ، دروغ و شایعه‌پراکنی است، که از ابزارهای فرهنگی و پیشرفته­ امروزی (اینترنت، شبکه­های اجتماعی، ماهواره، سینما و...) بهره می­گیرند.

**2. ضرورت و اهمیت بحث**

دشمنان بشریت، در طول تاریخ، به ویژه امروز، برای محو ارزش­های انسانی و الهی، شکست روحیه آزادگی و استکبارستیزی، لحظه­ای درنگ نکردند، از این‌رو، بایسته است تا راه­های هجوم به اهداف دشمن و راهکار­های مقابله با ترفندهای شیطانی آنها از منظر قرآن کریم شناخته شود، تا جبهه حق بتواند به حیات خود ادامه دهد و نقش تاریخی خود را در جهان معاصر ایفا کند. مقام معظم رهبری، آرایش تهاجم فرهنگی دشمن را علیه انقلاب بسیار خطرناک معرفی کرده، خطر آن را "برابر با جنگ نظامی" معرفی می‌کنند (دفتر نشر مقام معظم رهبری، 1389). همچنین ایشان معتقدند: «امروز فوری‌ترین هدف دشمنان، تسخیر پایگاه‌های فرهنگی در کشور است» (پیام کنگره جامعه اسلامی دانشجویان، 1380). در اینجا به چند مورد از مهم‌ترین بیانات معظم‌له در ارتباط با ضرورت و اهمیت جنگ نرم اشاره می‌شود:

«من یک وقت گفتم اینها دارند شبیخون فرهنگی می‌زنند. این راست است و خدا می‌داند که راست است، بعضی نمی‌فهمند، یعنی صحنه را نمی‌بینند. کسی که صحنه را می‌بیند ملتفت است که دشمن دارد چه کار می‌کند و می‌فهمند که شبیخون است و چه شبیخونی هم هست!» (15 اردیبهشت 1372؛ 23 مهر 1380).

همچنین فرمودند:

«وقتی انسان، تجهیز، صف‌آرایی، دهان‌های با حقد و غضب گشوده شده و دندان‌های با غیظ فشرده شده علیه انقلاب، امام خمینی(ره) و آرمان‌های نظام اسلامی را می‌بیند، وجود جنگ نرم را باور می‌کند، هر چند ممکن است عده‌ای اینها را نبینند» (14 مهر 1388؛ 28 اسفند 1377).

**3. اهداف جنگ نرم**

در یک نگاه، انسان دارای سه ساحت وجودی است: الف) بینش: بُعد شناختی(علم و ادراک)؛ ب) گرایش: بُعد عاطفی(میل و انگیزش)؛ ج) کُنش: بُعد رفتاری. ابعاد سه­گانه عقل، عاطفه و اراده، در تعامل و تأثیر متقابل با یکدیگرند، به این معنا که بُعد شناختى، در ساحت عاطفى و ارادى تأثیر مستقیم دارد، و بُعد عاطفى و ارادى نیز، ساحت شناختى و معرفتى انسان را متأثر می­سازند؛ از این­رو، برخی بر این باورند که: رفتارهاى ارادى انسان که در زندگى روزانه انجام می‌شود، نشئت گرفته از "اراده" اوست، و تا زمانی که اراده انسان تحریک نشود، کار و فعالیتى در خارج صورت نمی‌پذیرد (ر.ک: شیخ اشراق، 1375، ج‏4، ص208 و طوسی، 1375، ج‏2، ص423)؛ و اراده انسان نیز تحت تأثیر بُعد عاطفى و شوقى او است، انسان تا نسبت به کارى اشتیاق و رغبت نیابد، اراده‌اش نسبت به آن برانگیخته نمی‌شود، اشتیاق و جنبه عاطفى انسان نیز، متأثّر از بُعد شناختى و باورهاى اوست. بنابراین، انسان تا زمانى که نسبت به یک عمل، ارزیابى شناختى نداشته و به جنبه‌هاى مثبت و سودمند آن آگاه نشود، نسبت به آن کار، اشتیاق و علاقه‌اى نشان نمی‌دهد و در نتیجه، اراده او نسبت به آن کار تحریک نمی‌شود و به دنبال آن، کارى در خارج صورت نمی‌گیرد (ر.ک: طباطبایى(بی‌تا)‏، صص121 و 122). از این‌رو، تغيير و دگرگوني در هر يك از آنها مي­تواند در دو چيز ديگر نيز تغيير ايجاد كند، و جنگ نرم، در صدد تغییر همه ساحت­های وجودی انسان است، چرا که جنگ نرم، استفاده دقیق و طراحی شده از تبلیغات و دیگر اعمالی است که هدف اصلی آن، تأثیرگذاری بر عقاید، احساسات، تمایلات، ترجیحات و رفتار دشمن است، به نحوی که در جهت تأمین مقاصد و اهداف ملی مهاجم باشد.

**4. نفوذ فکری و فرهنگی، مصداق بارز جنگ نرم**

نفوذ را می­توان هم مصداق جنگ "نیمه سخت" و هم "جنگ نرم" دانست. اگر نفوذ در عرصه فکری و فرهنگی باشد، مصداق جنگ نرم است و اگر در عرصه امنیتی، اقتصادی و سیاسی باشد، مصداق جنگ نیمه‌سخت است. رهبر معظم انقلاب در خصوص هدف نفوذ می­فرمایند: «دشمن، به دنبال دگرگون کردن باورهای جامعه و نفوذ در مراکز تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی است. نفوذ فرهنگی و سیاسی، خطرناک‌تر از نفوذ اقتصادی و امنیتی است» (25 شهریور 1394). هدف از نفوذ فکری و فرهنگی، این است که: "در معرفت­های انقلابی و دینی مردم اختلال ایجاد کنند. باورهایی را که سبب وحدت و دوام انقلاب است را دگرگون نمایند" (25 شهریور 1394).

بنابراین، خطرناک‌ترین نوع نفوذ، نفوذ معرفتی است؛ بدین معنا که مبانی و شعارهای اصلی انقلاب همچون: استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی، پذیرش حاکمیت قوانین اسلامی، نفی هِژِمونی و سلطه امریکا و استکبارستیزی، تنفر از شیطان بزرگ، دفاع از مستضعفان عالم، نفی توسعه غربی و... فراموش شود. همچنین نفوذ در این حوزه به معنای نادیده انگاشتن مجاهدت شهدای انقلاب، و متهم ساختن نیروهای وفادار به انقلاب و بسیج به تندروی و افراط است.

مقام معظم رهبری بر این باورند که: «نفوذ دو گونه است: نفوذ فردی و نفوذ جریانی. نفوذ جریانی، یعنی شبکه‌سازی در داخل ملت، که عمده‌ترین وسیله‌ آن دو چیز است‌: یکی پول، یکی هم جاذبه‌های جنسی. و عمدتاً نخبگان، افراد مؤثر و تصمیم‌گیران یا تصمیم‌سازان، آماج نفوذند؛ اینها هستند که سعی می­شود روی اینها نفوذ انجام گیرد؛ بنابراین نفوذ خطر است، خطر بزرگی است» (4 آذر 1394)؛ اگر این نفوذ نسبت به چهره­های شاخص که در سرنوشت و آینده کشور تأثیری دارند، انجام پذیرد، به تدریج آرمان­ها، ارزش­ها، خواست­ها و باورها تغییر پیدا خواهند کرد. مقام معظم رهبری(مدظله‌العالی) فرمودند: «کسانی که به اطلاعات دسترسی دارند می­دانند که (در پسا تحریم) چه دام­هایی برای کشور گسترده شده یا در حال گسترده شدن است، تا در حصار اراده و تصمیمات ملت نفوذ کنند. اگر بر فرض، عنصری نفوذی در مجلس خبرگان و یا مجلس شورای اسلامی یا دیگر ارکان نظام وارد شود مانند موریانه از داخل پایه­ها را می­جود و سست می‌کند» (14 دی 1394).

با مروری بر تاریخ اندلس می‌توان نقشه و راهبرد نفوذ دشمن را در این کشور به خوبی شناسایی کرد. دشمن با صبوری و برنامه‌ریزی‌ای پیچیده و با بستن پیمان‌ها و توافقات دوجانبه در زمینه‌های آزادی تبلیغات دینی، فعالیت‌های آموزشی، تجاری و اقتصادی مسیحیان توانست، در قلب و ذهن مسلمانان نفوذ کند، که نتیجه‌اش تغییر باورها و ارزش‌های اسلامی در میان حکمرانان و مردم آن زمان بود، به‌ نحوی ‌که رفتن به مجالس لهو و لعب و باده‌گُساری از مصادیق روشنفکری، و پایبندی به موازین دینی از مصادیق تعصب و فرومایگی انسان به شمار می‌رفت. روابط تجاری و فرهنگی با این کشور آسان شد و در پی آن معلمان و مربیان مسیحی با ظواهری جذاب و فریبنده، به نشانه تمدن فخیم مسیحی، برای برگزاری دوره‌های آموزشی به این کشور آمدند و افراد فرهیخته و جوانان را به خود جذب کردند و در حقیقت، در افکار و اذهان و باورهای آنان نفوذ کردند. به دنبال این‌گونه اقدامات و نیز اقدامات فرهنگی دیگر، مسیحیان به‌راحتی توانستند شهر "والانس" را تصرف کنند و افراد زیادی را به قتل برسانند. آنان علاوه بر نابودی مظاهر اسلامی، حتی کتب تاریخی ناظر بر این دوران و وقایع تاریخی آن را نیز نابود کردند، به ‌نحوی ‌که تا زمان حال، هیچ اثری از اسلام در این سرزمین نمی‌توان یافت (طنطاوی، 1382، صص 22- 16).

**5. روش‌های مقابله با جنگ نرم دشمن**

روش "مقابله به مثل"، یک اصل قرآنی است. برای نمونه، خداوند جنگ در ماه‌های حرام را حرام می‌شمارد، اما هرگاه دشمن، حرمت آن را شکسته و با مسلمانان به قتال بپردازد، جامعه اسلامی موظف است در رویارویی با دشمن به همان شیوه، مشروط به رعایت تقوا و موازین شرعی اقدام نماید. «پس هر کس به شما تعدی کرد با او مقابله به مثل کنید و از خداوند پروا کنید و بدانید که خدا با پرهیزکاران است» (بقره/ 194).

در این بخش به اختصار به راهکارهای مقابله با جنگ نرم در قرآن کریم اشاره می‌شود:

**5-1. راهکارهای فرهنگی مقابله با جنگ نرم**

**1. اُنس با قرآن**

یکی از شیوه‌های مقابله با جنگ نرم در عرصه فرهنگی، اُنس با قرآن است. قرآن کریم خود را این‌گونه معرفی می‌کند: بهترین نازل شده از سوی خدا(زمر/55)، معجزه جاوید پیامبر(ص)(بقره/ 23)، کتاب علم(بقره/120)، حکمت(رعد/13)، خیر و رحمت(بقره/105)، مبارک(انعام/92)، برهان(نساء/174)، عظیم(حجر/87)، حق(بقره/91)، منادی ایمان(آل­عمران/193)، مبشر و منذر(فصلت/4)، بهترین سخن(زمر/18و23)، هدایت­گر(بقره/2)، شفای قلب‌ها(یونس/57)، موعظه(آل­عمران/138)، درمان و مایه شرف مؤمنان و پرهیزگاران(انبیاء/10)، مایه تذکر جهانیان(ص/87)، برای دانشمندان اندیشه­ور و ثمربخش(انعام/105، ابراهیم/52)، در عین حال قابل بهره‌برداری برای عموم مردم است(آل عمران/138) (مکارم شیرازی، 1392، قرآن حکیم).

امام علي(ع‌) می‌فرماید: «خداوند بر پيامبر(ص‌)، قرآن‌ را فرو فرستاد، نوري‌ است كه‌ چراغ‌هاي‌ آن‌ پایان ندارد و چراغي‌ كه‌ افروختگي‌اش‌ كاهش‌ نپذيرد. دريايي‌ كه‌ ژرفاي‌ آن‌ كس‌ نداند و راهي‌ كه‌ پيمودنش‌ رهرو را به‌ گمراهي‌ نكشاند. پرتويي‌ كه‌ فروغ‌ آن‌ تيرگي‌ نگيرد و فرقاني‌ كه‌ نور برهانش‌ خاموش‌ نشود و تبياني‌ كه‌ اركانش‌ ويراني‌ نپذيرد و بهبودي‌ كه‌ در آن‌ بيم‌ بيماري‌ نباشد و ارجمندي‌ كه‌ يارانش‌ را شكست‌ و ناپايداري‌ نباشد و حقي‌ كه‌ ياورانش‌ را زيان‌ و خواري‌ نباشد. پس‌ قرآن‌، معدن‌ ايمان‌ است و چشمه­سار دانش» (شریف رضی، نهج‌ البلاغه‌، خ198، ص‌234).

امام صادق(ع) به نقل از پيامبر خدا(ص) فرمود: «قرآن هدايتى است نجات‌دهنده از گمراهى، و روشنگرى است بازدارنده از كورى (و ناآگاهى)، و نگهدارى است از لغزش، و فروغى است در تاريكى» (تفسير عيّاشى، ج1، ص5). آیت‌الله بهجت می‌گوید: «توسل به قرآن و حمل و فهم و قرائت آن، برای نجات عموم مردم - چه رسد به خواص- مفید است! جای تعجب است که به شخصیت‌ها و سخنان آنها اهمیت داده می­شود و سخنرانی‌هایشان ضبط می‌شود، اما قرآن که در دست ما است، این طور نزد ما ارزش ندارد! (رخشاد، 1388، ص96).

بنابراین، قرآن کریم، با تعالیم خود، برای تشخیص حق از باطل، شاخص­های روشن ارائه می­دهد، از این‌رو، انسان قرآنی، در شرایط فتنه، در گرداب فریب غرق نشود، و می­تواند راه حق را بفهمد و از مسیر حقیقت منحرف نگردد.

**2. گسترش فرهنگ اقامه نماز**

اساس همه انحرافات، بحران هویت دینی و دوری از معنویت قرآنی است. بی‌تردید کسی که همیشه با خداوند در ارتباط است، هرگز دچار انحراف نمی­گردد، چرا که خداوند وعده فرموده است که هر کس را که بر او توکل کند، او را کفایت می­کند و از او دستگیری خواهد فرمود (طلاق/3). و یا فرمود: از مؤمنین دفاع خواهد نمود (حج/38)، چرا

که "تحقّق وعده الهى در دفاع از مؤمنان، حتمى است. مؤمنان، تنها و بى‏مدافع نيستند و حمايت او ابدى است" (قرائتی، 1382، ج6، ص47).

گسترش فرهنگ نماز، به‌ویژه نماز عبادی و سیاسی جمعه، یکی از شیوه­های مهم مقابله با جنگ نرم دشمن در عرصه­های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... است. دشمنان اسلام، در صدد حذف و کاستن شأن و جایگاه بلند نماز هستند و تمام تلاش خود را به کار بستند تا با استفاده از ابزارهای پیشرفته شیطانی و ترویج فساد و بی‌بندوباری و موسیقی، انگیزه حضور افراد در نمازهای جمعه و جماعت را تضعیف کنند و کم کم زمینه ضایع شدن نماز را که پیامدی جز تباهی و بدبختی ندارد در جامعه اسلامی فراهم نمایند. از این‌رو، قرآن کریم می­فرماید: «فَخَلَفَ مِن بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غَيًّا؛ سپس بعد از آن نسلی جایگزین شد که نماز را ضایع کردند و از شهوات پیروی کردند و در نهایت کیفر گمراهی را خواهند دید» (مریم/59).

همچنین قرآن کریم می­فرماید: «نماز را بپادارید، یقیناً نماز (انسان را) از گناهان آشکار وکارهای ناپسند باز می‌دارد» (عنکبوت/45). مراد ما از اقامه نماز، به عنوان یکی از راه­های مقابله با جنگ نرم، نماز با حضور و معرفت است که انسان را از هرگونه زشتی و پلیدی، فساد و فحشا و هر گونه سازش با مستکبرین بازمی­دارد، نه نماز بی‌روح، که سبب هیچ‌گونه بیداری در مسلمانان نمی­شود. واژه صلاه/ نماز و مشتقات آن حدود 90 بار و واژه­های مرتبط با نماز مانند رکوع، سجود، وضو و... حدود 900 بار در قرآن کریم ذکر شده است. در قرآن کریم مطالبی بسیار متنوع در خصوص نماز وجود دارد که در ذیل به برخی از آنها اشاره می­شود: "نماز، سبب سعادت و رستگاری بشر" (بقره/3و2، مائده/91و90)، "نماز، سبب تقرب و یاد خداوند" (هود/114، طه/14)، "نماز، سبب بهره‌مندی از هدایت خداوند" (بقره/5و3، توبه/18)، "نماز، سبب پاک‌سازی فرد و جامعه از هرگونه فساد و فحشا و بی بندوباری" (هود/114، عنکبوت/45) می­باشد. بنابراین از مجموع آیات یادشده برمی­آید که نماز به عنوان شیوه­ای مهم در مقابله با جنگ نرم سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... مورد توجه قرآن قرار گرفته است.

**3. تقوا و صبر**

یکی دیگر از شیوه­های مقابله با جنگ نرم در عرصه­های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... تقوا و صبر است که می­تواند افراد و جامعه را از هرگونه فساد و انحراف محفوظ بدارد و زمینه نصرت الهی و پیروزی بر دشمنان را فراهم آورد. قرآن کریم می‌فرماید: «و اگر صبر و شکیبایی ورزید و تقوا پیشه کنید نیرنگ­شان هیچ زیانی به شما نمی‌رساند، مسلماً خداوند به آنچه انجام می­دهند احاطه دارد» (آل عمران/120؛ قصص/83).

در اهمیت و جایگاه تقوا همین بس که خداوند در قرآن کریم آن را "معیار کرامت انسان"(حجرات/13)، "سبب بهره­مندی از هدایت­های ویژه الهی"(بقره/2، آل عمران/138)، "سبب بهره­مندی از ولایت خاص"(جاثیه/19)، "سبب برخورداری از قدرت تشخیص حق از باطل" (انفال/29، اعراف/201)، "سبب بهره­مندی از آرامش"(آل‌عمران/125، اعراف/35)، "سبب مصونیت از هر بدی"(زمر/61)، "سبب اتحاد وهمدلی"(آل عمران/102و103)، "سبب پرهیز از تفرقه و جدایی"(مؤمنون/52و53، زخرف/63)، "سبب عفت و پاکدامنی"(مریم/18، احزاب/32) معرفی می­فرماید. با کمی تأمل در آیات یادشده به خوبی درمی­یابیم که تقوا و صبر همانند نماز، در همه عرصه­های مقابله با جنگ نرم کاربرد دارد.

پر واضح است که ایمانِ بدون صبر و تقوا، یا ایمان نیست، و یا ماندگار نخواهد بود. بر اساس سوره "والعصر"، كسانى كه در اين بازار، عمر خود را به هوس­هاى خود يا ديگران بفروشند و به فكر رضاى خداوند نباشند، خسارتى سنگين كرده‏اند كه قرآن چنين تعبيراتى در مورد آنها دارد: تجارتشان سود ندارد(بقره/16)، و زيان آشكار كردند(نساء/119).

در فرهنگ اسلامى، زيرك كسى است كه از نفس خود حساب بكشد و آن را رها نكند، براى زندگى ابدى كار كند و هر روزش بهتر از ديروزش باشد. از مرگ غافل نباشد و به جاى هرزگى و حرص و ستم به سراغ تقوا و قناعت و عدالت برود. بنابراین، بدون ايمان و عمل صالح و سفارش ديگران به حق و صبر، خسارت انسان بسيار بزرگ است (قرائتی، 1382، ج10، صص587و588؛ طباطبایی، 1417، ج‏20، ص358).

**5-2. راهکارهای اجتماعی مقابله با جنگ نرم**

**1. احیای فریضه امر به معروف و نهی از منکر**

یکی از راه­های مقابله با جنگ نرم از دیدگاه قرآن کریم، موضوع امر به معروف و نهی از منکر است. قرآن کریم، این فریضه مهم را از وظایف پیامبر اسلام(ص) و امت اسلام می­داند و می­فرماید: «عفو را پیشه کن و به نیکی فرمان ده و از نادانان رخ برتاب»(اعراف/199). «و باید در میان شما گروهی باشند که به خیر فرا خوانند و به نیکی فرمان دهند و از کارهای ناشایسته باز دارند و هم آنان رستگارانند»(آل عمران/ 104). همچنین قرآن کریم، معیار و میزان برتری امت اسلام بر دیگر امت­ها را نیز امر به معروف و نهی از منکر می­داند: «كُنتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللّهِ؛ شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده­اید که به کار پسندیده فرمان می­دهید و از کار ناپسند باز می­دارید و به خدا ایمان دارید»(آل عمران/110؛ ر.ک: عیسی‌زاده، 1392، صص69-59).

امیرالمؤمنین على(ع) در نهج البلاغه مى‏فرماید: «تمام كارهاى خیر و حتى جهاد در راه خدا، نسبت به امر به معروف مثل رطوبت دهان است نسبت به آب دریا» (رضی، بی‌تا، حكمت 374). قرآن، جامعه‏اى را رستگار مى‏داند كه امر به معروف و نهى از منكر در آن زنده باشد (آل‏عمران/104). پیامبر اعظم(ص) فرمود: «تا زمانی که مردم امر به معروف و نهی از منکر نموده و یکدیگر را بر نیکی یاری کنند، همواره در خیر و سعادت به‌سر خواهند برد و در غیر این صورت، برکت­ها و خیر الهی از آنان گرفته خواهد شد و برخی [اشرار] بر آنان مسلط خواهند گردید و یاوری، نه در زمین و نه در آسمان، نخواهند داشت» (طوسی، 1386، ج6، ص181، ح2).

بنابراین فساد فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی جامعه ثمره فراموشی دو اصل مهم اسلامی (امر به معروف و نهی از منکر) است، بنابراین برای ناکام گذاشتن دشمن، در سکولاریزه کردن مراکز آموزشی و جامعه، رواج ناهنجاری­ها و بدعت‌ها، مظاهر فساد اخلاقی، و نابودی ارزش­های اسلامی و قرآنی باید به احیای دو اصل یادشده همت گمارد.

**2. مبارزه منفی**

یکی دیگر از شیوه­های مقابله با جنگ نرم دشمن از دیدگاه قرآن کریم، مبارزه منفی است. مبارزه منفی، به معنای عدم تشبیه خود به کفار است. همانند دشمنان لباس نپوشیدن و همانند آنان راه نرفتن و غذا نخوردن و به نوعی اعلام تبرّی از دشمنان است. مبارزه منفی، به معنای مبارزه مسالمت‌آمیز و مقاومت در برابر نیروهای خصم بدون خشونت است. از آنجا که مبارزه مثبت و قهرآمیز نیاز به وسایل گوناگون دارد و همواره با صرف نیرو و تلفات مالی و جانی همراه است، به‌طورمعمول عاقبت­اندیشان و عقل­گرایان تا کارد به استخوان نرسد به این گونه مبارزه روی نمی­آورند. قرآن کریم می­فرماید: «هرگز بر مرده هیچ یک از آنان نماز نخوان و بر کنار قبرش (برای طلب آمرزش) نَایست، چرا که آنها به خدا و رسولش کافر شدند و در حال فسق، از دنیا رفتند» (توبه/ 84).

اساس مبارزه منفی را، اتفاق و وحدت یک جامعه تشکیل می­دهد، یعنی افراد جامعه، از صمیم قلب با یکدیگر پیمان می­بندد که با مخالفین خود قطع ارتباط کنند و در کارهای اجتماعی و شخصی با آنان همکاری نکنند. در بیشتر موارد این حرکت عمومی عرصه را بر مخالفین تنگ و آنان را وادار به تسلیم می­کند (مجله حوزه، 1371، ش50 و51، ص375).

سه نفر از اهالی مدینه، در جنگ تبوك، پیامبر اسلام(ص) را همراهی نکردند. رسول اسلام(ص) هنگامي كه برگشتند، این سه نفر به استقبال ايشان آمدند، هنوز به آنها نرسيده بودند كه حضرت(ص) به اصحاب فرمودند: كسي با اينها صحبت نكند. آنها جلو آمده و سلام كردند، پيغمبر(ص) جوابي دادند، امّا ديگر با ايشان حرف نزدند، مسلمانان نيز با آنها حرف نزدند. مسلمانان به زنان­شان خبر دادند كه پيغمبر(ص) دستور ترك معاشرت با اينها را داده است. زنان و فرزندان اینان هم با آنها ترك معاشرت كردند. به قدري زندگي بر آنان سخت شد كه ديدند در شهر نمي‎توانند زندگي كنند، پس به بيابان رفتند و در آنجا آنقدر گريه و زاري كردند تا توبه‎شان قبول شد، پيغمبر به دنبال آنها فرستاد، وقتي آمدند آيه نازل شد. مي‎فرمايد: «(همچنين) آن سه نفر را كه (در مدينه) بازماندند (و از شركت در تبوك خوددارى كردند و مسلمانان از آنان قطع رابطه نمودند) تا آن حد كه زمين با همه وسعتش بر آنها تنگ شد و (حتى) جايى در وجود خويش براى خود نمى‏يافتند و دانستند كه پناهگاهى از خدا جز به سوى او نيست در آن هنگام خدا آنان را مشمول رحمت خود ساخت و خداوند توبه آنها را پذيرفت كه خداوند توبه‏پذير و مهربان است(توبه/118). اين موضوع آنچنان انعكاس وسيعى در جامعه مسلمانان آن روز از خود به جاى گذاشت كه بعد از آن كمتر كسى جرئت مى‏كرد مرتكب اين‌گونه گناهان شود. اين نوع مجازات نه دردسر و هزينه زندان­ها را دارد، و نه خاصيت تنبل­پرورى و بدآموزي­هاى آنها را، ولى بسیار تأثيرگذار است. اين در واقع يك نوع اعتصاب و مبارزه منفى جامعه در برابر افراد فاسد است. اگر مسلمانان در برابر "متخلفان از وظایف حساس اجتماعى" دست به چنين مبارزه‏اى بزنند، به طور قطع در هر عصر و زمانى پيروزى با آنها خواهد بود، و به راحتى مى‏توانند جامعه خود را پاكسازى كنند» (مکارم شیرازی، 1363، ج8، ص175).

همچنین فرمودند: به شراب‌خوار زن ندهيد،‌ و از او زن نگيريد، و يا با رباخوار و فاسد معاشرت نكنيد. برای نمونه، يك كاسب رباخوار را اگر همه بازار با او ترك معاشرت كردند، هيچ كس از او چيزي نخرد يا به او نفروشد، طولي نمي‎كشد كه درب مغازه او بسته مي‎شود. اگر مردم با انسان گُنه‌كار رفت و آمد نكنند، دست از گناهش بر‎مي‎دارد.

**3. محافظت از خانواده**

یکی دیگر از روش­های اجتماعی مقابله با جنگ نرم، محافظت از خانواده است. یکی از مقدس­ترین نهادهایی که متلاشی کردن آن از اهداف مهم دشمن در جنگ نرم به شمار می­رود، نهاد خانواده است. قرآن کریم در این باره می­فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ؛ ای کسانی که ایمان آورده­اید، خود و خانواده خود را از آتشی که هیزم آن انسان­ها وسنگ­هاست حفظ کنید» (تحریم/6).

# تشکیل خانواده آثار بسیاری دارد که به برخی از آنها اشاره می­شود:

1ـ آرامشگري: ازدواج، نقشی مهم در آرامش آدمي دارد. اين امر به زندگي زن و مرد جهت مي­بخشد و زن و مرد مضطرب و سركش را آرام و موجبات حفظ سلامت تن و روان را فراهم مي‌نمايد. «از نشانه‏هاى [قدرت و ربوبيت‏] او اين است كه براى شما از جنس خودتان همسرانى آفريد تا در كنارشان آرامش يابيد و در ميان شما دوستى و مهربانى قرار داد يقيناً در اين [كار شگفت‏انگيز] نشانه‏هايى است براى مردمى كه مى‏انديشند» (روم/21).

نبودن امنيت در خانواده براي زن يا مرد يا فرزندان و عدم ارضاي نيازهاي عاطفي آنان مي­تواند زمينه­ساز سرخوردگي، اضطراب شديد، افسردگي، احساس بي‌كفايتي، انحرافات اخلاقي، افزايش جرم و جنايت، اعتياد و خودكشي در جامعه گردد. پاره­اي از تحقيقات نشان مي‌دهد كه بسياري از كساني كه در كودكي محبت كافي نديده‌اند در پرورش فرزندان خود به حد افراط سخت­گير و خشن شده‌اند (صافی، 1386، صص26و27؛ ر.ک: سهراب، 1349، ص108).

2. حفظ عفت و پاك­دامني: رسول اكرم(ص) فرمود: «آن كس كه ازدواج كند به حقيقت نيمي از دينش را حفظ كرده است و بر اوست كه نصف ديگر را از خطر دور بدارد» (صدوق، 1404، ج3، ص383).

3. پرورش و آموزش كودكان و نوجوانان: يكي از وظايف اساسي خانواده، فراهم كردن محيط مساعد براي پرورش كودكان است.

4. ارضاي نياز عاطفي: پدران و مادران مي­توانند به محيط خانه گرمي بخشند و با ابراز محبّت بجا و به موقع، ارتباط انساني مناسب و توجه به نيازهاي اخلاقي، عاطفي، اجتماعي، رواني و بدني فرزندان، آنان را از دغدغه تنهايي و محروميت، رهايي داده و موجبات هماهنگي و سازگاري اعضاي خانواده را فراهم سازند.

6. اجتناب از فساد اخلاقي و جنسي: منشأ اغلب انحرافاتی که نوجوانان و جوانان به آنها گرفتار می‌شوند، غریزه جنسی است، که اگر مهار یا ارضا نشود، بی‌تردید سلامت فرد، خانواده و جامعه را تهدید می‌کند و باعث رواج عشق‌های خیابانی، روابط ناسالم دختر و پسر، هنجارشکنی در جامعه و شکسته شدن مرزهای الهی و ارزش‌های انساني می‌شود. بنابراين اگر در جامعه‌اي گرایش به ازدواج کم شود، بايد در انتظار فتنه اجتماعي و تباهی خانواده و نسل جوان نشست. «يكي از اصلي‌ترين شگردها و دسيسه‌هاي غرب براي به هم ريختن خانواده سنتي، ترويج خيانت زن و شوهر است» (عباسی ولدی، محسن، 1393، ص39). رابرت مرداک می‌نویسد: برای نابودی ایران، باید در خصوص کلمه مقدسی به نام خانواده هزینه کرد و من قصد دارم تا موضوع "مادر" را در دستور کار خود قرار دهم و در ایران "مادر خانواده" همه چیز را مدیریت می‌کند و اگر مادر را به لجن بکشیم، تمام این جامعه به لجن کشیده خواهد شد. وی همچنین اشاره کرده است که تا سال2020 کلمه مادر را در ایران بی‌معنا خواهد کرد (سایت فاطر24، 20 فروردین 1394).

از این‌رو، در قرآن کریم، درباره تشکیل خانواده و حفظ آن آیات فراوانی وجود دارد (نساء/24و25، نور/32). خداوند، خانواده را مایه دستیابی به آرامش، تکامل، تربیت صحیح فرزندان و بهره‌مندی از نعمت‌های بهشت برشمرده است(اعراف/189، روم/21)؛ و برای حفظ و تحکیم خانواده، وظایفی را برای اعضای خانواده (پدر، مادر و فرزندان) معین فرموده است (ر.ک: بقره/83، نساء/35و36، انعام/151، اسراء/23و24)(مکارم شیرازی، 1392).

**5. 3. راهکارهای سیاسی مقابله با جنگ نرم**

**1. دشمن­شناسی و تبرّی از دشمن**

گام نخست در مبارزه و مقابله با دشمن از دیدگاه قرآن کریم، شناخت دشمن و دشمنی با دشمنان خدا و رسول اوست. خداوند در قرآن کریم می­فرماید: «هیچ قومی نخواهی یافت که ایمان به خدا و روز جزا داشته باشد و در عین حال با کسانی که با خدا و رسولش دشمنی می­کنند دوستی کند، هر چند دشمن خدا و رسول، پدران یا فرزندان یا برادران یا قوم و قبیله‌اش باشد، برای اینکه خداوند در دل‌هایشان ایمان را نوشته است (مجادله/22) (جوشقانی، 1389، ص243-241).

برخی از دشمنان جبهه حق در قرآن کریم عبارتند از:

1ـ شیطان: «شیطان می­خواهد آنها را شدیداً گمراه کند» (نساء/60).

2ـ فرعون و فرعونیان: «و فرعون قوم خود را گمراه ساخت و هرگز هدایت نکرد» (طه/79).

3ـ سامری و سامریان: «سامری آنها را گمراه کرد»(طه/85).

4ـ سردمداران باطل: «و می­گویند پروردگارا، ما سران و بزرگان قوم خود را اطاعت کردیم و آنان ما را گمراه ساختند» (احزاب/67).

5ـ گروهی از اهل کتاب: «جمعی از اهل کتاب دوست داشتند که شما مسلمین را گمراه کنند» (آل عمران/ 69).

6ـ دین به دنیافروشان: «آنها آیات خود را به بهای کمی فروختند و مردم را از راه او باز داشتند» (توبه/9).

7ـ کفرپیشگانِ هوسران: «و هرگز نباید کسی که ایمان به قیامت ندارد و از هوس‌های خویش پیروی می‌کند، تو را از آن باز دارد که هلاک خواهی شد»(طه/16).

8 - آزمندان دنیاطلب: «کسانی که زندگی دنیا را بر آخرت ترجیح می‌دهند، (مردم را) از راه خدا باز می‌دارند»(ابراهیم/30).

9ـ مستکبرین جاه‌طلب: «آنان را می­بینی از سخنان خود اعراض کرده و تکبر می­ورزند» (منافقون/5).

10ـ کفار: «کافران برای شما دشمن آشکاری هستند» (نساء/101).

**2. مبارزه با زمینه‌های نفوذ دشمن**

یکی از شیوه­های سیاسی مقابله با جنگ نرم از دیدگاه قرآن کریم مبارزه با زمینه­های نفوذ دشمنان است. حضرت آیت‌الله خامنه­ای فرمودند: «نقشه امریکا در شرایط کنونی، بر دو پایه "ایجاد اختلاف" و "نفوذ" استوار است. اما ما این راه را قاطعانه بسته‌ایم و با همه توان، اجازه نفوذ را به امریکایی‌ها نمی­دهیم (26 مرداد 1394). همچنین فرمودند: «ما با (اصل) مذاکره مسئله‌ای نداریم. امّا مذاکره امریکا با جمهوری اسلامی ایران، یعنی نفوذ؛ تعریفی که آنها برای مذاکره کردند این است و آنها می‌خواهند راه را برای تحمیل باز کنند. امروز غول عظیم تبلیغاتی دنیا در مشت امریکا است؛ امروز جریان صهیونیستیِ به‌شدت دشمن بشریت و دشمن فضیلت، با امریکا، هر دو در یک لباسند، مذاکره با اینها یعنی راه را باز کردن برای اینکه بتوانند، هم در زمینه‌ اقتصادی، هم در زمینه فرهنگی، هم در زمینه‌های سیاسی و امنیتیِ کشور نفوذ کنند. مذاکره با امریکا ممنوع است زیرا این مذاکره نه تنها هیچ نفعی ندارد، بلکه ضررهای بی‌شماری نیز دارد. شرایط کنونی از لحاظ فعالیت­ها و تلاش­های دشمنان جمهوری اسلامی که ما بر آنها احاطه اطلاعاتی نیز داریم، مقطع مهمی است، زیرا آنها به دنبال تغییر محاسبات مسئولان و تغییر افکار مردم در خصوص مسائل انقلابی، دینی و مصالح ملی کشور هستند» (15 مهر 1394).

شیوه­هایی که دشمنان برای نفوذ در جبهه حق استفاده می­کنند، مختلف است. در اینجا به چند مورد به اختصار اشاره می­شود:

**راه‌های نفوذ دشمن در قرآن کریم**

الف) مرعوب ساختن مسئولان از آینده کشور

دشمن همواره القاء می­کند که اگر با من رابطه نداشته باشید و کدخدایی من در جهان را نپذیرید، کشور دچار مشکلات عدیده­ای خواهد شد: «الشَّیْطانُ یَعِدُکُمُ الْفَقْرَ وَ یَأْمُرُکُمْ بِالْفَحْشاءِ وَ اللَّهُ یَعِدُکُمْ مَغْفِرَةً مِنْهُ وَ فَضْلاً وَ اللَّهُ واسِعٌ عَلِیمٌ؛ شیطان، شما را (به هنگام انفاق)، وعده فقر و تُهی‌دستى مى‏دهد، و به فحشا (و زشتی‌ها) امر مى‏کند، ولى خداوند وعده "آمرزش" و "فزونى" به شما مى‏دهد» (بقره/۲۶۸؛ ر.ک: آل عمران/۱۷۵).

ب) اختلال در فرایند تصمیم­سازی مدیران

«یَعِدُهُمْ وَ یُمَنِّیهِمْ وَ ما یَعِدُهُمُ الشَّیْطانُ إِلاَّ غُرُوراً؛ شیطان به آنها وعده‏ها (ى دروغین) مى‏دهد و به آرزوها سرگرم مى‏سازد و جز فریب و نیرنگ به آنها وعده نمى‏دهد» (نساء/۱۲۰؛ ر.ک: ابراهیم/۲۲، حشر/۱۷-۱۶، اسراء/۶۵-۶۴، انفال/۴۸).

در ماجرای حضرت آدم(ع) نیز شیطان، ماهرانه و با تأکید بر دو میل قدرتمند در انسان (میل جاودانگی و میل قدرت‌طلبی)، به او وعده دروغ داد و نظام محاسباتی جناب آدم(ع) را مورد هدف قرار داد: سپس شیطان آنها را وسوسه کرد تا آنچه را از اندامشان پنهان بود آشکار سازد، و گفت پروردگارتان شما را از این درخت نهى نکرده مگر به خاطر اینکه (اگر از آن بخورید) فرشته خواهید شد یا جاودانه (در بهشت) خواهید ماند! (اعراف/۲۱-۲۰؛ ر.ک: طه/۱۲۰).

ج) ستودن رفتار نادرست مسئولان

یکی دیگر از ترفندهای دشمن برای تغییر در نظام فکری مدیران کشور، تمجید و گزافه‌گویی از رفتار غلط مسئولان است. این چیزی است که قرآن کریم از آن با عنوان "تزیین شیطان" یاد کرده است: «چرا هنگامى که مجازات ما به آنان رسید، (خضوع نکردند و) تسلیم نشدند؟! بلکه دل‌هاى آنها قساوت پیدا کرد و شیطان، هر کارى را که مى‏کردند، در نظرشان زینت داد!» (انعام/۴۳، ر.ک: انفال/۴۸، نحل/۶۳، نمل/۲۴، عنکبوت/۳۸، محمد/۲۵).

د) شایعه­سازی

«هنگامى كه خبرى (و شايعه‏اى) از ايمنى يا ترس (پيروزى يا شكست) به آنان (منافقان) برسد، آن را فاش ساخته و پخش مى‏كنند، در حالى كه اگر آن را (پيش از نشر) به پيامبر و اولياى امور خود ارجاع دهند، قطعاً آنان كه اهل درك و فهم و استنباطند، حقيقت آن را درمى‏يابند» (نساء/۸۳).

رهبر معظم انقلاب(مدظله‌العالی) پیرامون این شیوه نفوذ دشمن می‌فرمایند: «از راه­هاى دیگرى که دشمن امروز سعى مى‏کند در میان مردم ما نفوذ پیدا کند، شایعه‏پراکنى است. از زمان پیروزى انقلاب تا امروز، هر جا توانستند، شایعه‌‏پراکنى کردند. هدف­شان این است که دل مردم را بلرزانند و امید آنها را از بین ببرند. یک ملت با امید مى‏تواند به پیش برود. اگر کسى به این تبلیغاتى که دشمنان از راه­هاى مختلف القا می­کنند، گوش کند، به نظرش مى‏رسد که در ایران همه چیز در سراشیب سقوط است! انگارى مى‏خواهند همه امیدها را پایان‏یافته وانمود و قلمداد کنند (30 مرداد 1370).

هـ) غافل کردن مسئولان از حقیقت سنن الهی (امداد و نصرت خداوند)

«و آنها كه در راه ما (با خلوص نيّت) جهاد كنند، قطعاً به راه‏هاى خود، هدايتشان خواهيم كرد؛ و خداوند با نيكوكاران است»(عنکبوت/ 69).

یکی دیگر از ترفندهای تأثیرگذار دشمن، از یادبردن نعمت­ها و امدادهای غیبی خداوند از ذهن ملت و مسئولان است که در طول سالیان متمادی پس از انقلاب، مردم مقاوم ایران از آن بهره­مند بوده‌اند. رهبر معظم انقلاب در این زمینه ‌می‌فرمایند: «من همین‌جا تأکید کنم یکی از خطاهای محاسباتی این است که انسان در چارچوب عوامل محسوس و صرفاً مادّی محدود بماند؛ یعنی عوامل معنوی را، سنّت­های الهی را، سنّت­هایی که خدا از آنها خبر داده است، آن چیزهایی را که با چشم دیده نمی­شود، ندیده بگیرد. خداوند فرموده است: «اِن تَنصُرُوا اللهَ یَنصُرکُم وَ یُثَبِّت اَقدامَکُم؛ اى كسانى كه ايمان آورده‏ايد! اگر (آيين) خدا را يارى كنيد، شما را يارى مى‏كند و گام‌هايتان را استوار مى‏دارد» (محمد/7). اگر شما در راه خدا حرکت کنید، دین خدا را نصرت کنید، خدا شما را نصرت خواهد داد. این سنّت الهی است، و هرگز براى سنّت‏هاى خداوند، تغيير و تبديلى نخواهى يافت (فتح/23) (16 تیر 1393). در آیه دیگر می‌خوانیم: «خداوند از كسانى كه ايمان آورده‏اند دفاع مى‏كند» (حج/ 38).

و) طرح دوستی و خیرخواه نشان دادن

یکی از شیوه‌های دشمن برای نفوذ، این است که خود را خیرخواه طرف مقابل نشان می­دهد. کاری که شیطان درباره حضرت آدم(ع) کرد. آیه قرآن در این باره می‌فرماید: «سپس شیطان آنها را وسوسه کرد تا آنچه را از اندامشان پنهان بود آشکار سازد و گفت: پروردگارتان شما را از این درخت نهى نکرده مگر به خاطر اینکه (اگر از آن بخورید) فرشته خواهید شد یا جاودانه (در بهشت) خواهید ماند! و براى آنها سوگند یاد کرد که من خیرخواه شما هستم!» (اعراف/۲۱ـ۲۰). یعنی شیطان در وسوسه‏هاى خود، چهره خیرخواهى و دوستى آدم را به خود گرفت (مکارم شیرازی، 1363، ج۶، ص۱۱۹). رهبر معظم انقلاب به نخبگان مسلمان هشدار می­دهند: «اعتماد به دشمن و در دام لبخندها و وعده‏ها و حمایت­هاى آنها افتادن نیز آسیب بزرگ دیگرى است که به‌‏طور ویژه باید پیشروان و نخبگان از آن بر حذر باشند. دشمن را با علاماتش در هر لباس باید شناخت و از کید او که در مواردى در پسِ ظاهرِ دوستى و کمک پنهان مى‏شود، باید ملت و انقلاب را مصون ساخت» (26 شهریور 1390). (ر.ک: فیروزیان، 1394، ش.‌خبر: ۲۲۶۰۲۸).

به گواه تاریخ، استعمارگران، با پوشش دوستی و آبادانی، در دیگر کشورها نفوذ و پس از محکم کردن سرپل­های خود، شروع به تاخت و تاز می­کردند و همه چیز را به یغما می­بردند. قرآن کریم در این زمینه، بارها هشدار می­دهد، تا مسلمانان متوجه نفوذ دشمن باشند: «افراد با ایمان نباید به جای مؤمنان، کافران را دوست و سرپرست خود انتخاب کنند» (آل عمران/28). «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، افرادی که ایمان شما را به باد استهزاء و بازی می‌گیرند، از اهل کتاب و مشرکان، دوست خود انتخاب نکنید و از خدا بپرهیزید اگر ایمان دارید» (مائده/57، ر.ک: مائده،51؛ جعفری اریسمانی و دهشیری، 1383، ص143).

**3. توجه به عوامل وحدت‌بخش**

از دیگر شیوه­های سیاسی مقابله با جنگ نرم، توجه به اتحاد و همبستگی و پرهیز از هرگونه اختلاف و تفرقه‌افکنی در میان جامعه اسلامی است. آیات زیادی در این زمینه و لزوم توجه به عوامل وحدت بخش وجود دارد که به بخشی از آنها اشاره می­کنیم.

قرآن کریم می­فرماید: «ای مردم، همانا این آیین شماست، آیینی یگانه و من هم پروردگار شما، پس مرا بپرستید» (انبیاء/92؛ عیسی‌زاده، 1392، صص108-106). «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ؛ در حقیقت مؤمنان برادرند، پس میان برادران­تان سازش دهید و از خدا پروا بدارید» (حجرات/10). «و همگی به ریسمان الهی چنگ زنید و به راه­های متفرق نروید و به یاد آورید این نعمت بزرگ را که شما با هم دشمن بودید و خدا دل­های شما را الفت و مهربانی انداخت تا به لطف خداوند همه برادر دینی یکدیگر گشتید» (آل عمران/103؛ ر.ک: حشر/14، انعام/156، نساء/94، آل عمران/64؛ ر.ک: مکارم شیرازی، 1392، عیسی‌زاده، 1392، صص108-106).

**4. دفاع و اطاعت از رهبری دینی**

یکی دیگر از شیوه‌های سیاسی مقابله با جنگ نرم از دیدگاه قرآن کریم اطاعت و دفاع از رهبری دینی است. قرآن کریم در آیات متعدد پس از اطاعت از خدا، به اطاعت از رسول خدا(ص) و رهبران دینی(ع) امر می­کند که به چند آیه از آن اشاره می‌شود: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُواْ أَطِيعُواْ اللّهَ وَأَطِيعُواْ الرَّسُولَ وَأُوْلِي الأَمْرِ مِنكُمْ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید پیامبر خدا(ص) و اولوالامر(اوصیا پیامبر) را» (نساء/59؛ انفال/1). همچنین فرمود: «کسی که از پیامبر اطاعت کند، خدا را اطاعت کرده است» (نساء/80)، بنابراین دفاع از رهبر دینی نیز یکی از مهم‌ترین راهکارهای قرآن کریم در جنگ نرم سیاسی به‌شمار می‌رود.

**5. مجهز شدن به مدرن­ترین سلاح و قدرت**

از جمله شیوه­های مطرح برای مقابله با جنگ نرم دشمن در عرصه سیاسی از دیدگاه قرآن کریم، مجهز بودن به مدرن­ترین سلاح­ها و قدرتمند بودن است. در واقع هدف نهایی از تهیه سلاح و افزایش توان رزمی، بازدارندگی و ترساندن دشمن است. قرآن کریم در این زمینه می­فرماید: «در برابر آنها هر چه دارید از (نیرو) آماده کنید و همچنین اسبان ورزیده (برای نبرد) تا به وسیلة آن دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید» (انفال/60). در آیه شریفه، هدف از تهیه سلاح و افزایش توان رزمی مسلمین، ویران کردن سرزمین­ها و تصاحب اموال نیست، بلکه هدف ترساندن دشمن خدا و دشمن مسلمانان است، زیرا اغلب دشمنان خدا و بشریت، فاقد منطق هستند و زبانی جز زور ندارند و در این صورت است که باید با منطق خودشان با آنها برخورد کرد. به تعبیر دیگر، تنها قدرت منطقی که می­تواند جواب‌گوی توطئه آنان باشد، منطق "واعدوا لهم ما اسطعتم..." است (مکارم شیرازی، 1363، ج7، صص224 و 225).

**6. بصیرت و روشنگری**

یکی از مهم‌ترین عناصر مقابله با جنگ نرم، بصیرت است. به برخی از عوامل بصیرت به اختصار اشاره می­شود: «کلام خداوند(انعام/103و 104)، تفکر و اندیشه(آل­عمران/13 و نور/44)، مطالعه در آیات و نشانه‌های خداوند(ق/6ـ8)، مطالعه در احوال پیشینیان و دیگران(انعام/11، نمل/69) و یاد خدا(اعراف/200و201)، اخلاص(انفال/29 و کلینی، 1388، ج2، ص16). که در رأس آن قرآن کریم قرار دارد، چرا که قرآن کتاب هدایت، نور، تِبْيَانُ كُلِّ شَيْ‌ء و کتاب بصائر است: «از جانب خداوند نور و کتابی روشن‌گر برای شما آمده است»(مائده/15). «و ما این کتاب را بر تو نازل کردیم که بیان‌گر همه چیز و مایة هدایت و رحمت و بشارت برای مسلمانان است»(نحل/89؛ انعام/104). چنانچه فرمود: قرآن مایه بصیرت مردم است: «هذا بَصائرٌ للناس»(جاثیه/20). از این‌رو، قرآن کریم، بصیرت­آفرین است و برای عبور از فتنه­های دشمن، انس با قرآن یکی از مهم‌ترین راهکارهاست.

**5. 4. راهکارهای اقتصادی مقابله با جنگ نرم دشمن**

**1. عدم همکاری با دشمن**

یکی از روش‌های مورد توجه قرآن کریم در مقابله با جنگ نرم اقتصادی همکاری نکردن با دشمن است. قرآن کریم در این باره می­فرماید: «وَلَن يَجْعَلَ اللّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا؛ و خداوند هرگز برای کافران نسبت به مؤمنان راه تسلطی قرار نداده است»(نساء/141). اگر چه این روش در سایر زمینه­ها(سیاسی و فرهنگی) نیز اهمیت دارد، اما در عرصه اقتصادی بیش از سایر عرصه­ها مورد توجه است.

**2. دوری از اسراف و تبذیر**

روش دیگری که مورد توجه قرآن کریم در مقابله با جنگ نرم اقتصادی قرار گرفته است، دوری از اسراف و تبذیر، به عبارت دیگر مصرف بهینه است. قرآن کریم در این مورد می­فرماید: «وَلاَ تُسْرِفُواْ إِنَّهُ لاَ يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» ،«... و از اسراف بپرهیزید که قطعاً خدا اسراف‌کنندگان را دوست ندارد(انعام/141). «بخورید و بیاشامید اما اسراف نکنید زیرا خداوند اسراف‌کنندگان را دوست ندارد»(اعراف/31؛ فرقان/67).

**3. انفاق و ادای زکات و خمس**

اسلام، برای فقرزدایی در جامعه و رفع نیازهای اقتصادی فقراء، انفاق، خمس و زکات را واجب فرموده است، چرا که فقر و نداری، آثار گسترده‎ای در جامعه دارد. حجم وسیعی از روایات و احادیث به این مهم اشاره دارند (حکیمی، 1367، صص305-278). فقر زمینه­ساز تحقق اهداف جنگ نرم دشمن و تغییر بینش و سبک زندگی جامعه است. از این‌رو، یکی از عواملی که اسلام، عمل به آن را برای حیات مادی و معنوی امت اسلامی لازم و ضروری می‌داند، انفاق است. انفاق، یک ارزش اسلامی است که جامعة مؤمن، آن را نردبانی برای تقرّب به سرچشمه­ جمال و کمال یعنی خداوند متعال می‌داند. «الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلاَةَ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ؛ مؤمنان واقعی، کسانی هستند که نماز را برپا می‌دارند و از آنچه روزی آنان ساخته‌ایم، انفاق می‌کنند»(انفال/3). همچنین در مورد خمس می‌فرماید: «اگر به خدا ایمان دارید، بدانید هر چه را به عنوان غنیمت به‌دست مى‏آورید، بى‌تردید یك پنجم آن براى خدا و رسول و خویشان و یتیمان و درماندگان و در راه ماندگان است» (انفال/41). زكات نیز، يكى از عباداتى است كه اثر تربيتى عميقى در روح انسان مى­گذارد (توبه/103)، و در ریشه­کن کردن فقر از چهره جامعه اسلامی نقشی بی‌نظیر دارد.

**4. مبارزه با فساد اقتصادی**

**از مجموع آیات قرآن کریم می‌توان به موارد زیر به عنوان شاخص­های فساد اقتصادی اشاره کرد: اسراف و تبذیر و تجاوز از حد اعتدال، تجمل­گرایی، ثروت‌اندوزی و تکاثرطلبی، رباخواری، رشوه­خواری، کم‌فروشی، خوردن مال یتیم، و احتکار.**

بی‌تردید امروز یکی از حربه­های تأثیرگذار دشمن برای ایجاد بحران سیاسی و ناامید کردن مردم ایران، تحریم و فشار اقتصادی است. مشکلات اقتصادی، بستر مناسبی را برای تحقق اهداف جنگ نرم دشمن فراهم می­سازد. چه بسیار اقوامی که با سرپیچی از پیامبر خود در زمینه­های اقتصادی و با گسترش فساد اقتصادی مورد غضب و عذاب الهی قرار گرفته‌اند. قرآن یکی از شیوه­های دشمن در جنگ نرم را گسترش فساد اقتصادی دانسته، مؤمنان را از وارد شدن به هرگونه از فساد اقتصادی مانند رباخواری، رشوه‌خواری، خوردن مال یتیم،کم‌فروشی، احتکار، ثروت‌اندوزی و تکاثرطلبی، تجمل‌گرایی و... منع نموده، کسی را که مرتکب این گناهان شود وعده عذاب داده است. بر اساس آموزه‌های قرآن، قِوام جامعه به اقتصاد و سلامت آن است، بدین‌معنا که سعادت ابدی انسان یعنی الهی و ربانی شدن و رسیدن به آرامش مطلق تنها در سایه یکتاپرستی، سلامت امور اقتصادی و پرهیز از هرگونه فسادانگیزی است.

«و به سوى "مدين" برادرشان شعيب را (فرستاديم)؛ گفت: «اى قوم من! خدا را پرستش كنيد، كه جز او، معبود ديگرى براى شما نيست! پيمانه و وزن را كم نكنيد (و دست به كم‏فروشى نزنيد)! من (هم‌اكنون) شما را در نعمت مى‏بينم؛ (ولى) از عذاب روز فراگير، بر شما بيمناكم!»(هود/84-86). از این‌رو، امور اقتصادی و معیشتی مردم و آسایش آنان، دارای جایگاهی مهم در حد مسائل اعتقادی و عبادی است؛ چنان‌که در آیات 3، 41، 43، 83، 177 و 277 بقره همچنین آیه 39 و 85 اعراف، 177 و 181 تا 183 شعراء و آیات دیگر نیز به این مسئله اشاره شده است.

ارتباط بین فقر و انحرافات اجتماعی، موضوعی نو و بدیع نیست. جوامع انسانی در طی حیات خویش به شکلی، با این دو مقوله درگیر بوده‎اند. ارتباط بین فقیران، گرسنگان و بی‌خانمان‌ها با سارقان، قاتلان، معتادان در حوزه‌های مختلف علمی از قبیل علوم اجتماعی، اقتصادی و روان‌شناسی، موضوع تحقیق و پژوهش‌های مختلف قرار گرفته و از منظرهای گوناگون به آن توجه شده است. در متون دینی فقر دارای معانی متعددی است. به‌گونه‎ای که بین این معانی صرفاً اشتراک لفظی برقرار است. فقری که در این نوشتار مورد نظر است، آن چیزی است که در مقابل غنی و ثروت به کار می‎رود؛ یعنی نداری در برابر دارایی که در آیات و روایات از آن با تعابیری همچون سوء و بدی، بلا و بدبختی، شر و زشتی، سختی شدید، ذلت و خذلان و امری بدتر از مرگ یاد شده است (حکیمی، 1367، ج4، صص288-278). «فقر و نداری هم، همانند زراندوزی و تکاثر، آثار گسترده‎ای در جامعه دارد» (حکیمی، 1367، ج4، صص305-278)، که می­توان این آثار را در زمینه‎های مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی مشاهده کرد. از جمله این آثار می‎توان به ضعف شخصیت، تحقیر، بی‎ارزش شدن در اجتماع و ایجاد عقده‎های روحی برای فرد اشاره کرد که هرکدام می‎توانند در بالا رفتن میزان جرائم و کجروی‎ها، نقش زیادی ایفا کنند (رک. فراهانی‎فرد، 1378، ص37؛ به نقل از: اسفندیاری، 1382).

امام علی(ع) خطاب به فرزندش امام حسن(ع) می‎فرماید: «فرزندم انسانی را که به دنبال کسب روزی خویش است ملامت مکن، زیرا کسی که هیچ ندارد، لغزش‎هایش بسیار خواهد بود (مجلسی، 1373، ج72، ص47). بر طبق این روایت اگر شخصی دچار تنگدستی و نداری شود و در رفع نیازها و احتیاجات خودش ناتوان باشد، این امر ضریب احتمال وقوع در خطا، لغزش و گناه را در او افزایش می‎دهد.

**راه­های مبارزه با فساد اقتصادی**

**الف) مبارزه با اسراف**

قرآن کریم در بُعد مبارزه با اسراف می‌فرماید: «بخورید و بیاشامید اما اسراف نکنید»(اعراف/31). خداوند در اين آيه پس از بيان جواز عمومى در مصرف، از اسراف نهى و در ادامه، از تحريم امور حلال نيز منع كرده است.

**ب) دوری از تجمل‌گرایی و فساد**

[قرآن](http://wikifeqh.ir/قرآن) می‌فرماید: «و در آنچه [خدا](http://wikifeqh.ir/خدا) به تو داده، سرای [آخرت](http://wikifeqh.ir/آخرت) را بطلب و بهره‌ات را از [دنیا](http://wikifeqh.ir/دنیا) فراموش مکن و همان‌گونه که خدا به تو [نیکی](http://wikifeqh.ir/نیکی) کرده، نیکی کن و هرگز در [زمین](http://wikifeqh.ir/زمین) در جست‌وجوی [فساد](http://wikifeqh.ir/فساد) مباش که خدا مفسدان را [دوست](http://wikifeqh.ir/دوست) ندارد» ([قصص/77).](http://lib.eshia.ir/17001/1/394/نَصِيبَكَ)

**ج) مبارزه با رباخواری**

«ای کسانی که به دین اسلام گرویده‌اید ربا مخورید که دائم بهره بر سرمایه افزایید تا چند برابر شود از خدا بترسید و ترک این عمل زشت کنید باشد که سعادت و رستگاری یابید، و بپرهیزید از آتش عذابی که برای کیفر کافران افروخته‌اند و از حکم خدا و رسول او فرمان برید باشد که مشمول رحمت و لطف خدا شوید» (آل‌عمران/132-130).

**د) مبارزه با رشوه­خواری**

قرآن کریم می­فرماید: «و اموال يكديگر را به باطل (و ناحق) در ميان خودتان نخوريد و اموال را به (عنوان رشوه، به كيسه) حاكمان و قاضى‏ها سرازير نكنيد تا بخشى از اموال مردم را به گناه بخوريد، در حالى كه خود مى‏دانيد كه خلاف مى‏كنيد» (بقره/188).

**ه) مبارزه با کم‌فروشی**

قرآن کریم می‌فرماید: «واى بر کم‌فروشان! آنها که به هنگام خرید، حق خود را به طور کامل مى‌گیرند، و به هنگام فروش از کیل و وزن کم مى‌گذارند، آیا آنها گمان نمى‌کنند که در روز عظیمى برانگیخته خواهند شد، روز رستاخیز در دادگاه عدل خدا» (مطففین/1-4).

**و) دوری از خوردن مال یتیم**

قرآن کریم می‌فرماید: «کسانى كه اموال يتيمان را به ناحق مى‌خورند، جز اين نيست كه آتشى در شكم خود فرو مى‌برند و به زودى در آتش فروزان درآيند» (نساء/10).

**ز) مبارزه و دوری از احتکار، ثروت‌اندوزی و تکاثرطلبی**

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید اموال یکدیگر را به باطل نخورید، مگر آنکه معامله و تجارتی از روی رضایت میان شما انجام یابد»(نساء/29، بقره/188). «واي بر هر نکوهش‌گر عيب‌جوي، آنکه مالي را گرد آورده و مي‌شمارد»(همزه/2-1).

**نتیجه­گیری**

1. در عرصه جنگ نرم، ابتدا باید دشمن را به خوبی شناخت و سپس با تبرّی جستن از وی، اولین گام را برای مبارزه برداشت.

2. برای جلوگیری از نفوذ دشمن، باید همه­ راه­های اقتصادی، امنیتی، سیاسی، فکری و فرهنگی را بست، و به لبخند او فریب نخورد.

3. برای جلوگیری از نفوذ دشمن، با دوری از تفرقه و با تمسک به ریسمان الهی، در تحکیم وحدت و عوامل وحدت‌بخش تلاش نمود.

4. اطاعت از رهبر الهی، جامعه را از ضلالت و گمراهی و عذاب دور می­کند، و آن جامعه هیچگاه در دام توطئه و نفوذ دشمن گرفتار نمی­شود.

5. استفاده از شیوه بازدارندگی، فرمان خداوند است. قرآن کریم با توصیه به مجهز شدن به مدرن­ترین سلاح­ها و داشتن قدرت جهت بازدارندگی برای ایجاد رعب در دل دشمنان و ایجاد امید در دل دوستان سفارش می­فرماید.

6. یکی از مهم‌ترین توصیه­های قرآن کریم در مقابله با جنگ نرم و نفوذ دشمن، داشتن بصیرت و آگاهی و روشنگری توسط افراد بصیر است.

7. از آنجا که در عرصه جنگ نرم، خانواده یکی از ارکان مورد حمله دشمن می­باشد، قرآن کریم، محافظت از خانواده را مورد تأکید قرار داده است.

8. تقوا و صبر و نماز، از مهم‌ترین شیوه­ها در مقابله با جنگ نرم دشمن است.

9. عدم همکاری با دشمن نیز یکی دیگر از شیوه­های مقابله با جنگ نرم دشمن است. بنابراین همکاری با دشمن به شدت نکوهش شده است.

10. انس با قرآن، یکی از راه­های مؤثر در مقابله با جنگ نرم و نفوذ دشمن است.

11. در جامعه­ای که فرهنگ دینی و قرآنی عمیق باشد، به‌طور قطع آن جامعه از بسیاری از آسیب­ها به دور خواهد ماند.

**منابع**

ـ منابع در نسخه چاپی موجود است.

1. . دانش­آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامي، واحد بافت [↑](#footnote-ref-1)
2. ـ نویسنده مسئول، استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامي، واحد بافت dr.r.mosavi@chmail.ir [↑](#footnote-ref-2)